

عجایب صنع حق تعالی - صفحه ۱۷

#تاریخ ادبیات:

کیمیای سعادت: صفحه ۱۵۶ / امام محمد غزالی: صفحه ۱۵۲ کتاب درسی

#معنای لغات:

صفحه ۱۷ ← عجایب: (جمع عجیب) شگفتی‌ها / بدان: آگاه باش / وجود: جهان هستی / بر وی: بر روی آن / نهر: رودخانه / آنچه در کوه‌هاست ← در: درون / جواهر: (جمع جوهر) سنگ‌های زینتی / معادن: جمع معدن / انواع: جمع نوع / نباتات: (جمع نبات) گیاهان / بر و بحر: خشکی و دریا / چون میخ: مانند ابر / قوس قزح: رنگین کمان / پدید آید: به وجود بیاید / آیات: (جمع آیه) نشانه‌ها / فرموده: دستور داده / نظر کنی: نگاه کنی / پس اندر آیات ← اندر: درباره

صفحه ۱۸ ← بساط تو ساخته: برای تو پهن کرده / جوانب: (جمع جنب) اطراف / فراخ: وسیع / گسترانیده: گسترده است / سنگ سخت: سنگ محکم / لطیف: گوارا / روان کرده: جاری کرده / به تدریج: کم کم / در وقت: به هنگام / بنگر: نگاه کن / دیبا: پارچه ابریشمی
صفحه ۱۹ ← مرغان: پرندگان / صورت: ظاهر / نیکوتر: بهتر / بیاموخته: آموزش داده / چون: چگونه / آشیان: لانه آشیان خود چون کند ← چون کند: چگونه بسازد / به وقت خویش: در زمان مناسب / در خانه‌ای شوی: وارد خانه‌ای بشوی / نقش: نقاشی / گچ کنده کرده باشند: گچ بری شده باشد / روزگاری دراز: مدت بسیار / صفت آن گویی: آن را توصیف می‌کنی / تعجب کنی: شگفت زده شوی / ولکن: اما / شعله‌ی وی: وسیله‌ی گرمای آن / قندیل: شمع و چراغ / غافل: بی‌خبر / بس بزرگ ← بس: بسیار / مختصر: (در اینجا) کوچک / در وی نمی‌گنجد: آن را درک نمی‌کند / مثل تو: داستان تو / چون مورچه‌ای ← چون: مانند / قصر: کاخ / ملک: پادشاه / یاران: دوستان یا هم‌نوعان / جمال: زیبایی / صورت: ظاهر / غلامان: (جمع غلام) خادمان / سریر ملک: تخت پادشاهی / درجه: رتبه، حد و اندازه / قناعت کنی: رضایت بدهی / می‌باش: بمان / راهت داده‌اند: راه را نشانت داده‌اند / بستان: باغ / معرفت: شناخت / مدهوش = متحیر: متعجب

#معنای عبارت:

بدان که هرچه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است: آگاه باش که هرچه در جهان هستی وجود دارد، ساخته شده‌ی (مخلوق) خدای بلند مرتبه است.

این همه آیات... نظر کنی: این‌ها همه نشانه‌های خدای بلندمرتبه است که به تو دستور داده که به آن‌ها با دقت و توجه نگاه کنی.

در زمین نگاه کن... گسترانیده: به زمین نگاه کن که خداوند چگونه آن را برای تو پهن کرده و اطراف آن را وسیع گسترده است.

هر یکی را بیاموخته... آشیان خویش چون کند: به هر کدام آموزش داده که غذای خود را چگونه تهیه کند و فرزند را چگونه مراقبت کند تا بزرگ شود و لانه‌ی خود را چگونه بسازد.

اگر در خانه‌ای شوی که... هیچ تعجب نکنی: اگر وارد خانه‌ای شوی که آن را با گچ بری و نقاشی زیباسازی کرده باشند، تا مدت‌ها آن را

توصیف می‌کنی و شگفت زده می‌شوی، اما همیشه در این دنیای شگفت که خانه‌ی خداست هستی و هیچ وقت شگفت زده نشده‌ای!

اگر خواهی به درجه‌ی مورچه... می‌باش: اگر می‌خواهی به برابری با رتبه‌ی مورچه از نظر فهم و درک عالم خلقت رضایت بدهی، در همان حد و اندازه بمان (اجباری نیست)

#آرایه‌ها:

صفحه ۱۷ ← آسمان و آفتاب، ماه و ستارگان و زمین، کوه‌ها و بیابان‌ها: تناسب / بر و بحر: تضاد و تناسب / آسمان و زمین: تضاد / کل

بند: تلمیح به آیه ۶ تا ۱۱ سوره قاف

صفحه ۱۸ ← چون دیبای هفت رنگ: تشبیه

صفحه ۱۹: همیشه در خانه‌ی خدایی ← خانه‌ی خدا: استعاره از دنیا / عالم خانه خدا است: تشبیه اسنادی / فرش وی زمین است: تشبیه

اسنادی / سقف بی‌ستون: استعاره از آسمان / چراغ وی ماه است: تشبیه / شعله وی آفتاب: تشبیه / قندیل‌های وی ستارگان: تشبیه / بزرگ و مختصر: تضاد / مثل تو چون مورچه‌ای است: تشبیه / قصر، ملک، غلامان ، سریر ملک: تناسب / بستان معرفت: اضافه تشبیهی

#نکات_دستوری:

تو را فرموده است = به تو فرموده است ← را: حرف اضافه - تو: متمم / چگونه بساط تو ساخته است ← چگونه آن را بساط تو ساخته است: حذف مفعول / همه از یک دگر نیکوتر (هستند) ← هستند: فعل محذوف (به قرینه‌ی معنوی)

#خود_ارزیابی:

- ۱- صفحه‌ی ۱۸ کتاب: در وقت بهار بنگر...
- ۲- هر کدام از مخلوقات، آن چیزی را که برای زندگی و به کمال رسیدن نیاز دارد، داده است.
- ۳- انسان و درک انسان از فهم قدرت الهی محدود است؛ مثل مورچه‌ای که در قصری قرار گرفته و از آنجا درک صحیحی ندارد.

* ویژگی نثر کهن: جملات کوتاه، افعال زیاد، تکرار افعال و جملات، جابه‌جایی ارکان

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

  @farsitadris

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

پرواز - صفحه ۲۲

#تاریخ_ادبیات:

علی اسفندیاری: صفحه‌ی ۱۴۸ کتاب درسی

#معنای_لغات:

پيله: بافته‌ی کرم ابریشم / فروتنی: تواضع / منزوی: گوشه‌گیر / محبس: زندان / رستن: رهایی، آزادی / خلوت: تنهایی / زین روی: به این دلیل / منحنی: کج / جستند: فرار کردند / حبس: زندانی شدن / وارهم: آزاد شوم / وارهم به مرگ ← به: به وسیله‌ی / اینک: حالا / کای: که ای

#معنای_شعر:

بیت اول: یک مرغ با فروتنی از یک کرم ابریشم پرسید: تا کی به دور خود پيله می‌پیچی؟
بیت دوم: تا کی می‌خواهی به تنهایی در گوشه‌ای بنشینی و خودت را در زندان جسم و بدنت اسیر می‌کنی؟
بیت سوم: کرم ابریشم جواب داد: من به فکر رهایی و آزادی هستم؛ به همین دلیل کج و خمیده شده‌ام.
بیت چهارم: دوستان و هم‌نوعان من به پروانه‌های زیبا و قشنگی تبدیل شده‌اند و از پيله‌ها بیرون پریده‌اند.
بیت پنجم: خودم را به تنهایی زندانی کرده‌ام که یا به وسیله‌ی مرگ از این قفس خارج شوم یا بال و پری دریاورم و پرواز کنم.
بیت ششم: ای مرغ خانگی! اکنون برای تو چه اتفاقی افتاده است؟ نمی‌خواهی تلاشی کنی و به پرواز دربیایی؟

#آرایه_ها:

شعر مکالمه‌ی کرم و مرغ است: تشخیص / محبس تن: اضافه‌ی تشبیه‌ی / همسال‌ها: کنایه از دوستان و هم‌نوعان / قفس: استعاره از پيله / پر زدن: کنایه از پرواز کردن

#نکات_دستوری:

پرسید کرم را = از کرم پرسید ← را: حرف اضافه / تو را چه شد = برای تو چه پیش آمده ← را: حرف اضافه